

همراهنگار ضرورت و تحصیلی رشته‌ی

یاد آن روزها به‌خیر که در کتاب‌های دبستانی می‌خواندیم:

برو کار می‌کن، مگو چیست کار که سرمایه‌ی زندگانی‌ست کار

آری کار، سرمایه‌ی زندگانی‌ست؛ کار، خلق نعمات مادی و معنوی و موتور حرکت جامعه و عامل اصلی بروز و پیدایش و رشد تمدن و فرهنگ‌هاست. بدون کار، انسان زنده نمی‌ماند و از جنگل و غار بیرون نمی‌آید. ساده‌ترین کار او، گردآوری میوه‌ها و دانه‌های گیاهی خودرو بود و هم‌اکنون ۱۰ میلیون جمعیت ۱۲ هزار سال پیش کوه‌ی زمین، از آن غذاها نوش جان می‌کردند و به بقای نسل ادامه می‌دادند.

بعد از گردآوری میوه و دانه، گله‌داری، کشاورزی، صنایع دستی و انقلاب بزرگ صنعتی پیدا شد و زندگی اجتماعی را از اساس، دگرگون ساخت. کار تولیدی، فرهنگی و خدماتی، سرچشمه‌ی نشاط، پیشرفت و سلامتی تن و روان است و همه قبول داریم که تنبلی، بیکاری و خوردن و خفتن، کسالت‌آور و موجب پریشانی و افسردگی‌ست.

کار سازگار با علاقه‌ی شخص و تحصیل و استعداد او، خلاق و شادآور است. به همین دلیل، برخی از پریشانی‌های روان با روش «کاردرمانی» درمان‌پذیر است. برای مثال یک خانم خانه‌دار هر وقت دلش گرفت و ابر تیره‌ی کسالت، آسمان وجودش را پوشاند، می‌تواند با گردگیری و نظافت منزل و جابه‌جایی اثاثیه، غم را از دلش بزداید؛ آقای خانه که خسته و دل‌آزرده است، با کار در باغچه‌ی منزل و یا پرورش گل و گلدان، به آرامش می‌رسد.

هرچه از فواید تولید کردن، چه فرهنگی و چه روانی کار بگوییم، باز کم گفته‌ایم. بزرگان و دانشمندان، سخنان ارزشمند فراوانی گفته‌اند و پژوهش‌های ژرفی به‌عمل آورده‌اند. با این وجود، سکه‌ی کار، روی دیگری هم دارد: اگر افراد در راستای استعداد و توانایی‌های‌شان و متناسب با تحصیل و مهارت‌های‌شان به کار گرفته نشوند، کیفیت تولید و خدمات، افت می‌کند و کار، زجرآور می‌گردد و انسان رفته‌رفته از خود بیگانه می‌شود. براساس همین شناخت است که سازمان‌های علمی و روان‌سنجی و استعدادشناسی در کشورهای پیشرفته، فعال‌اند و می‌کوشند نوجوانان و جوانان را در راستای توانایی‌های‌شان سوق دهند.

کار و تحصیلی که در خلاف جهت استعداد باشد، کم‌بهره، کم‌نتیجه و با بی‌بهره می‌گردد و نارضایتی، بی‌زاری، خستگی و کسالت را به‌وجود می‌آورد. جامعه‌ای که به‌طور کامل و ریشه‌ای، استعداد‌های گوناگون و منحصربه‌فرد اعضایش را شناسایی کند و از آن‌ها در راه خیر و برکت کشور، سود کامل بجوید، درصد زیادی از اضطراب‌ها، نابه‌سامانی‌ها،

کم‌کاری‌ها، فرارها و خلاف‌کاری‌ها را درمان می‌کند. هنگامی که فردی به‌اجبار به کاری گمارده شود که از علاقه و رشته‌ی تحصیلی‌اش و یا آموزش‌های مهارتی قبلی‌اش دور است، درواقع او را به بی‌کاری گرفته‌اند؛ بی‌کاری هم انسان را از خود بیگانه می‌سازد، شور و شوق و خلاقیت را می‌کشد و روانش را سرشار از بی‌زاری، بی‌تفاوتی و کسالت می‌کند. زمانی که حقوق ماهانه هم کفاف خرج را ندهد! در این وضع ناگوار، باید پرخاش‌گری، رشوه‌خواری و مردم‌آزاری را هم بر فهرست رفتارهای منفی بیفزاییم.

آسیب‌ها و پدیده‌های منفی تناقص کار و استعداد، عامل گسترش ویروس ویران‌گر نارضایتی، کم‌کاری، دیگرآزاری و... است. آیا در این بستر نامطلوب، رشوه‌خواری چون علف‌هرز نمی‌روید؟

برای غلبه و رهایی از بسیاری نابه‌سامانی‌های اجتماعی و اداری، یکی از ده‌ها اقدامات اساسی و ریشه‌ای، این است که تناقض کار و استعداد و رشته‌ی تحصیلی را از میان برداریم. هر انسانی، موجود منحصربه‌فردی است که مالک توانایی‌های خاصی‌ست که می‌تواند در راه خیر و برکت فرد و جامعه به کار گرفته شود.

از این کار ضروری و خیر، غافل نماییم و اجازه ندهیم آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی آن، گسترده‌تر گردد. فردا دیر است، همین امروز آستین‌ها را بالا بزنیم.



مصطفی‌علیزاده
نویسنده و مترجم

